

اعتدال در آثار علامه مصباح

مرز اعتدال، عدم تراحم با تکالیف و ارزشهاست

اعتدال، به تنهایی سعادت آفرین نیست

تنها تکیه بر اعتدال، سعادت آفرین نیست. در اثبات این سخن، همین بس که اگر آدمی بی هدف و یا در پی اهداف باطل، میانه روی پیشه نماید، هرگز به حق و مقصود ایده آل نخواهد رسید. از این رو بایستی این حرکت معتدل، دارای هدفی صحیح باشد. آدمی اگر هدف زندگی را نیک تشخیص دهد و در بهره گیری از امیال، راه اعتدال را پیش گیرد، مظفر است والا نه اعتدال تنها در نیل به سعادت کفایت می کند و نه صرف تشخیص صحیح هدف، ما را به آن می رساند.^۱

اعتدال در تلفیق آرمان گرایی و واقع نگری است

نظری در مبانی اسلام روشن می سازد که رویکرد اسلام به دولت، رویکردی معتدل و تلفیقی از آرمان گرایی و واقع نگری است. اسلام هم چشم به آرمان ها و ایده آل ها دارد و هم به شرایط و امکانات واقعی جامعه توجه می کند. اسلام با در نظر گرفتن شرایط واقعی و سامان دادن امکانات موجود، هدایت و اداره جامعه را به سمت دست یابی به آن آرمان ها، تحقق می بخشد. این رویکرد اسلام در بخش های مختلف قابل ملاحظه است.^۲

اعتدال نه تساهل و تسامح است، نه سخت گیری بی مورد

بعضی از مردم گمان می کنند که برای جذب جوانان به مساجد و مجالس دینی، باید کمی در مورد امور دینی با تسامح برخورد کنیم و سخت گیری نکنیم، بلکه در مقابل انجام بعضی از محرمات چشم پوشی کنیم. این دیدگاه، تفریط در مقابل افراط است. باید راه میانه را انتخاب کنیم؛ زیرا افراط و تفریط عین گمراهی است. باید در گفتار و رفتارمان معتدل باشیم. نباید نسبت به جوانان، سخت گیری بی مورد اعمال کرد؛ ولی وظیفه ما این است که در مورد حقایق دینی سستی به خرج ندهیم و آنها را فراموش نکنیم. نباید در مقابل انجام گناه و ارتکاب محرمات الهی متساهل بود. سخت گیری های بی مورد درباره جوانان باعث نفرت و فرار آن ها از مجالس دینی و علما می شود. تسامح و تساهل غیر مجاز در مورد عقاید حقّه و تکالیف شرعی نیز باعث سقوط مقام و منزلت انسان در پیشگاه خداوند متعال و پیامبر عظیم الشان و ائمه اطهار (علیهم السلام) می گردد.^۳

پی نوشت ها:

۱. رستگاران، ص ۲۵۵.
۲. پند جاوید، جلد دوم، ص ۳۹.
۳. پاسخ استاد به جوانان پرسشگر، ص ۲۴۶.
۴. چکیده ای از اندیشه های بنیادین اسلامی، ص ۱۵۲.

بر فرض هم که ما از این آیه این قاعده کلی را استنباط و استخراج کنیم که «در هر امری که دو طرف افراط و تفریط دارد، حد وسطش مطلوب است»، اما نباید تصور کنیم این حد وسط، کمی است و آن گاه درصدد برآییم در کسب مال، علم، در معاشرت و مسائل دیگر بر اساس این ملاک رفتار کنیم. قطعاً این مطلب به شوخی و خنده شبیه تر است تا حقیقت، که برای مثال، بگوییم در اسلام اختیار چهار همسر دائمی اجازه داده شده، اکنون ما برای رعایت حد وسط

خوب است دو زن داشته باشیم! هرگز چنین نیست:

فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً؛ پس اگر بیم دارید که به عدالت رفتار نکنید، پس یک [زن دائمی کافی است].

از این رو رعایت حد وسط کمی، کاملاً گمراه کننده است. آنچه مسلم است این است که به هر کاری باید در حدی پرداخت که با سایر تکالیف و ارزش ها تراحم پیدا نکند؛ اگر واجب است با سایر واجبات، و اگر مستحب است با واجبات و سایر مستحبات مزاحمت نداشته باشد. به طور کلی، تدبیر عقلایی و حکیمانه آن است که انسان به گونه ای زندگی کند که بتواند همه شؤون زندگی را پوشش دهد و به نحو مقتضی نسبت به پاسخ گویی به نیازهای متراحم و گوناگون اقدام نماید.^۴

شماره ۲۵
پاییز ۹۱

۱۶